

پژوهشی در ضرورت تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان مترجمی عربی

عبدالرسول فروتن^۱

(دریافت: ۹۸/۲/۱۱ - پذیرش: ۹۸/۷/۲۰)

چکیده

علاوه بر رشته‌هایی که در مقاطع مختلف، به‌ویژه کارشناسی، برای آموزش زبان‌ها و ادبیات خارجی در ایران تأسیس شده، رشته‌هایی نیز با عنوان «مترجمی» ایجاد شده است؛ مانند مترجمی زبان عربی، مترجمی زبان انگلیسی، و مترجمی زبان آلمانی. به دلیل اینکه در ترجمه، تسلط بر زبان‌های مبدأ و مقصد ضروری است و در ایران، اصولاً یکی از دو زبان مبدأ یا مقصد برای ترجمه، زبان فارسی است، آشنایی با معیارها و ویژگی‌های زبانی و ادبی فارسی به عنوان زبان مادری اهمیت دارد. در این مقاله، پس از طرح مهم‌ترین ویژگی‌ها و اطلاعات مربوط به زبان و ادبیات فارسی که دانستن آن برای مترجم ضروری است، به طور خاص، دروس و سرفصل‌های مصوب رشته مترجمی زبان عربی معرفی و بررسی می‌شود. برنامه درسی سایر رشته‌های مترجمی نیز در این قالب و با توجه به ناهمگونی‌شان قابل بررسی است. حاصل این پژوهش نمایانگر ناآشنایی برنامه‌ریزان درسی با ویژگی‌های زبان و ادبیات فارسی، اهمیت شناخت آن در ترجمه و نبود مدیریت و نگرش علمی واحد در طراحی سرفصل‌های رشته‌های مترجمی است.

کلیدواژه‌ها

زبان و ادبیات فارسی، زبان مادری، ترجمه، برنامه درسی، مترجمی زبان عربی

۱. استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» (foootan@samt.ac.ir).

مقدمه

ترجمه عبارت است از برگرداندن نوشته یا گفته‌ای از زبانی (زبان مبدأ) به زبان دیگر (زبان مقصد). در این میان، علاوه بر تسلط مترجم بر هر دو زبان، آشنایی با موضوع کتاب هم اهمیت زیادی دارد. بهترین نوع این انتقال آن است که هیچ بخشی از صورت و معنی از میان نرود، اما برخی آن را غیر ممکن دانسته‌اند (صلح جو، ۱۳۸۹: ۳۷؛ نجفی، ۱۳۸۹: ۶). ترجمه اساساً فعالیتی متشکل از دو مهارت عمده «درک» و «بیان» است. «درک» شامل آشنایی با زبان مبدأ در حد استخراج جنبه‌های مختلف معنا از متن می‌شود و «بیان» به معنای بازنویسی معنای انتزاع شده از متن اصلی براساس معیارهای زبانی و فرهنگی زبان مقصد است. در مقایسه بین این دو مهارت، «بیان» اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ترجمه حادثه‌ای است که در زبان مقصد اتفاق می‌افتد (ناظمیان، ۱۳۹۵: ۲). در ترجمه، تسلط بر زبان مقصد از شناخت کامل زبان مبدأ مهم تر است. بیشترین و نمایان‌ترین اشتباهات مترجمان، به دلیل تسلط نداشتن آنان بر زبان مقصد است. مترجمی که به رموز و نکات زبان مادری خود مسلط باشد و امکانات و توانایی‌های آن را بداند، هرگز در پی آن نیست که به کمک فرهنگ لغت کلمات را ترجمه کند، بلکه می‌کوشد برای انتقال مفاهیمی که در زبان مبدأ بیان شده است، قالب‌های بیانی رسا و شیوایی را در زبان مقصد بیابد (ناظمیان، ۱۳۹۵: ۲۲). برای ترجمه پیامدهای مثبت و منفی برشمرده‌اند: «آثار مثبت آن ناشی است از ضرورت کاربرد واژگان و تعبیرات متنوع تر و وسیع تر، کوشش در راه یافتن واژه‌ها و ترکیبات و شیوه‌های بیانی تازه و خلاصه، به کار انداختن قوه خلاقیت زبانی. آثار منفی آن نتیجه گرده‌برداری در سطوح صرفی و نحوی و معنایی، وارد کردن عناصر قاموسی و دستوری و حتی فرهنگی بیگانه است» (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۵: ۲۳۲-۲۳۳).

پس از این نوشتار کوتاه که در آن به تعریف ترجمه، فرایند و تأثیرات آن، و نیز اهمیت بیشتر زبان مقصد پرداختیم، قصد داریم برنامه‌ریزی وزارت علوم- از مهم‌ترین نهادهای سیاست‌گذاری کشور در امر ترجمه- را در زمینه آموزش زبان فارسی به مترجمان بررسی کنیم. این برنامه‌ریزی عموماً به صورت سرفصل‌های دروس رشته‌های مترجمی زبان‌های خارجی نمود یافته است. با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل در ساماندهی و بهسازی مواد آموزشی، داشتن چارچوب علمی و سازمان یافته است و به دلیل سابقه اندک رشته‌های مترجمی، کمتر شاهد بررسی علمی، دقیق و جامع برنامه‌های درسی این رشته‌ها بوده‌ایم (پرورش و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱)، ضرورت پرداختن به این امر مشخص می‌شود. با این

حال، گسترده‌گی مباحث مربوط به این رشته‌ها سبب شده است که در مقاله حاضر، رشته مترجمی زبان عربی را برای بررسی تفصیلی انتخاب کنیم. البته حاصل این تحقیق می‌تواند برای دیگر رشته‌های مترجمی نیز کارآمد باشد و باب نقد و بررسی سرفصل‌های آن رشته‌ها را در مقاله‌های جداگانه بگشاید. طبعاً تمامی مترجمان، دانش‌آموخته رشته‌های مترجمی نیستند، اما از دانش‌آموختگان این رشته‌ها انتظار می‌رود به صورت علمی و بایسته با ترجمه و مسائل آن آشنا باشند و بتوانند به طرزی صحیح آثاری را از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه کنند.

واضح است که عموماً زبان مقصد و گاهی زبان مبدأ نوشته‌هایی که این مترجمان به ترجمه آن‌ها خواهند پرداخت، فارسی است. بر این اساس، نخست، یک مترجم باید با چه مسائلی درباره زبان فارسی آشنا باشد و در این زمینه چه راهکاری وجود دارد؟ دوم اینکه در برنامه‌های درسی دانشگاهی (در اینجا: مترجمی زبان عربی) به این موارد تا چه اندازه توجه شده است؟ البته باید گفت منظور در اینجا دروسی است که باعث آشنایی دانشجویان با زبان و ادبیات فارسی می‌شود، نه دروسی که صرفاً در آن‌ها نوعی از متن از زبان اصلی به فارسی بازگردانده می‌شود و دانشجویان با مهارت‌های مختلف ترجمه آشنا می‌شوند.

مسلم اینکه پیش از تدریس دروس پایه، اصلی، اختصاصی و یا اختیاری مربوط به آشنایی با زبان و ادبیات فارسی، لازم است «زبان فارسی» (معروف به «فارسی عمومی») تدریس شده باشد. در این درس سه‌واحدی که علاوه بر دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشجویان سایر رشته‌ها باید آن را بگذرانند، غالباً متون مختلف ادب فارسی (از هر شاعر یک یا چند شعر و نیز بخش‌های کوتاهی از متون منثور و داستان‌های معاصر) را برای آشنایی دانشجویان برمی‌گزینند تا ضمن آن، نکاتی هم درباره قواعد زبان فارسی و درست‌نویسی بیاموزند. همچنین، سرفصل‌های ویژه‌ای برای این درس در نظر گرفته نشده است (ر.ک.: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۲/۷/۲) و مدرسان کتاب‌ها، موضوعات و متون مختلفی را تدریس می‌کنند. با توجه به همین مسئله، پورخالقی (۱۳۸۸: ۳۱۴) معتقد است: «معلم درس فارسی عمومی به دانش عمومی در زمینه ادبیات نیاز دارد. باید بر انواع ادبی مسلط باشد؛ تاریخ ادبیات را کاویده باشد؛ علوم بلاغی را بشناسد؛ با ادبیات قدیم و جدید مأنوس باشد؛ عروض و قافیه بداند؛ آیین نگارش و ویراستاری را عملاً تجربه کرده باشد؛ فرهنگ عامه را از نظر دور نکرده باشد؛ اسطوره‌شناس و رازآشنا باشد؛ کتاب‌شناس باشد و آیین‌های پژوهش و تحقیق را بشناسد و...». متأسفانه به دلیل

ماهیت درس فارسی عمومی و توجه کمتر به آن، در اغلب کلاس‌ها و درس‌نامه‌ها نابسامانی‌هایی مشاهده می‌شود که تأثیرگذاری‌اش را به حداقل می‌رساند (ر.ک.: علیقلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۸)

حال، پرسشی که در این میان مطرح می‌شود اینکه زبان مادری در دانشگاه‌های معتبر غربی چگونه تدریس می‌شود؟ مقایسه میان تدریس مترجمی در دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های غربی به دلایل ذیل صحیح نیست:

۱. سرفصل‌های هر دانشگاه در همان دانشگاه تعیین می‌شود، نه از سوی وزارت علوم مربوط.

۲. رشته رایج در دانشگاه‌های غربی، مطالعات ترجمه^۱ است، نه «مترجمی زبان...». در مطالعات ترجمه به صورت کلی مسائلی درباره ترجمه آموزش داده می‌شود که البته به زبان اصلی / مادری / اول است و سرانجام هر دانشجو خواهد توانست یک یا چند زبان را به عنوان زبان دوم و سوم برای ترجمه بیاموزد و حتی به کشورهایی که به آن زبان تکلم می‌کنند سفر کند؛ همچنین دانشجویان آن دانشگاه‌ها از یک ملیت نیستند و یا زبان واحدی ندارند.

۳. نظام آموزشی پیش از دانشگاه در غرب با آنچه در ایران وجود دارد، متفاوت است. بسیاری از مواردی که ما مسئولیت آموزش آن را به دانشگاه‌ها محول کرده‌ایم در دبیرستان‌های مغرب‌زمین انجام می‌شود.

۴. ویژگی‌های زبان‌های غربی (انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و جز آن که گاه به همدیگر بسیار نزدیک‌اند). برای مترجمی که یکی از این زبان‌ها، زبان بومی اوست. اقتضائاتی دارد که با اقتضائات زبان فارسی یکسان نیست؛ در واقع، یک فارسی‌زبان می‌تواند بخش زیادی از میراث منظوم یا منثور گذشتگان خود را - حتی با قدمتی بیش از هزار ساله - دریابد، و بر همین اساس باید با متون قدیم و ادبیات معاصر (که متأثر از ادبیات قدیم است) بسیار آشنا باشد.

با وجود این تفاوت‌ها کوشیدیم با مراجعه به برنامه‌های درسی دانشگاه‌های مختلف (با ذکر چند نمونه) به اجمال به پرسش مذکور پاسخ دهیم؛ البته پیش‌تر رحیمی (Rahimy, 2010) در مقاله‌ای^۲ میان سرفصل‌های مترجمی انگلیسی در ایران و چند دانشگاه خارجی مقایسه‌ای انجام داده است که در آن نمی‌توان پاسخ این پرسش را دریافت:

1. translation studies

۲. از خانم مریم جابر که این مقاله را در اختیار من قرار دادند صمیمانه سپاسگزارم.

۱. در رشته مطالعات ترجمه دانشگاه هاروارد ایالات متحده امریکا، علاوه بر دروس کلی، مانند «ترجمه ادبیات جهان»، «درباره ترجمه» و «ترجمه خلاقانه»، درس‌های «آشنایی با انگلیسی قدیمی: قهرمانان، بهشت و جهنم»، «انگلیسی قدیم: کار با نسخه‌های خطی» و زبان‌های لاتین و یونانی در کنار دروسی برای آشنایی با سوئدی، اسپانیایی، و روسی ارائه می‌شود.^۱

۲. در دانشگاه هایدلبرگ آلمان، تمرکز دوره کارشناسی مطالعات ترجمه بر زبان اول (زبان آلمانی) و ترجمه آن به دو زبان B و C (دوم و سوم) است. دانشجویان باید پیش از آغاز دوره با زبان‌های انگلیسی و فرانسوی آشنایی کامل داشته و از زبان‌های ایتالیایی، پرتغالی، روسی و اسپانیایی در سطح «بسیار خوب» مطلع باشند.^۲

۳. در دانشگاه مک‌گیل کانادا برای رشته مطالعات ایتالیایی، دروس به سه گروه A- پایه زبان، B- تدریس به زبان ایتالیایی و C- تدریس به زبان انگلیسی تقسیم می‌شوند.^۳

۴. در دانشگاه هریوت وات اسکاتلند هم که از دانشگاه‌های معتبر و با سابقه در زمینه مطالعات ترجمه به شمار می‌رود، توجه ویژه‌ای به آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان اول شده است.^۴

در تحقیقات مختلف منتشر شده به انگلیسی نیز به اهمیت آموزش زبان مادری در مترجمی اشاره و دوره‌هایی برای بهبود آن پیشنهاد شده است تا مترجمان در استفاده از زبان خودشان توجه بیشتری داشته باشند (Kusmaul, 1995: 7). در این پژوهش‌ها که عموماً به دهه‌های قبل مربوط‌اند، از اینکه در دانشگاه‌ها در میان مهارت‌های ترجمه، تمرکز بر زبان مادری نادیده گرفته شده، ابراز تأسف شده است (Hervey & Higgins, 1992: 1; Li, 2001: 344). به باور مارگارت لانگ (Lang, 1994: 1-5)، استاد دانشگاه هریوت وات، دانشجویان ترجمه این دانشگاه باید سطح استاندارد بالایی در فهم زبان مادری داشته باشند. یکی از مشکلات مهم دانشجویان این رشته، نداشتن مهارت در استفاده از زبان مادری است. بنابراین، متقاضیان ثبت نام در این دانشگاه مدارک زبان تعیین شده را ارائه می‌دهند و پس از گزینش، نکات متنوعی در خصوص زبان مادری می‌آموزند؛ در نهایت، با گذراندن یک سال در کشوری که مردمش به زبان دوم مورد نظر تکلم می‌کنند، خواهند توانست بر آن

1. <https://complit.fas.harvard.edu/translition-studies-resources-and-event>

2. <https://www.uni-heidelberg.de/en/study/all-subjects/translation-studies>

3. <https://mcgill.ca/langlitcultures/undergraduate/italian-undergraduate-programs>

4. <https://www.hw.ac.uk/study/uk/postgraduate/translation-interpreting.htm>

زبان هم در سطح قابل قبولی مسلط شوند. لانگ به این نکته اشاره می‌کند که صرف ترجمه کلمه به کلمه کافی نیست؛ دانشجو باید بتواند فرایند ترجمه را درک کند، از میان کلمات پیشنهادی خود یکی را برگزیند و دلیل انتخاب خود را به صورت عینی بیان کند. برای رسیدن به این هدف، گام ابتدایی، مطالعه متون انگلیسی و براساس آن، استفاده از مهارت‌های تحلیل گفتمان است، که از این روش در دانشگاه هریوت وات اسکاتلند استفاده می‌شود (Lang, 1994: 1-5).

پیشینه پژوهش

فارغ از بحث درباره مبانی و روش‌های ترجمه، پژوهش‌هایی در نقد برنامه‌های درسی رشته‌های مترجمی ایران در دست است که البته در هیچ‌یک به رشته مترجمی زبان عربی پرداخته نشده است. همچنین، تاکنون به برنامه‌های درسی رشته‌های مترجمی، به عنوان رشته‌هایی که هدفی واحد دارند، از منظر خاصی توجه نشده است. در ادامه، به اختصار مقالاتی معرفی می‌شوند که به بحث لزوم و چگونگی تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان مترجمی اشاراتی به طور پراکنده داشته‌اند.

۱. بهرام بیگی (۱۳۸۰) در بررسی سرفصل‌های درسی رشته زبان فرانسه و مترجمی فرانسه بر آن است که باید درس‌های مربوط به زبان و ادبیات فارسی به‌ویژه برای دانشجویان مترجمی افزایش یابد؛ زیرا این دانشجویان بدون اطلاع از ساختار زبان فارسی نمی‌توانند ترجمه‌ای شیوا ارائه دهند.

۲. حقانی (۱۳۸۳) اشاره کرده است که آشنایی کافی با هر یک از فرهنگ‌های زبان مبدأ و مقصد از الزامات ترجمه محسوب می‌شود و داشتن اطلاعات کافی درباره تاریخ، جامعه و آداب و رسوم هر دو فرهنگ به منظور پیام‌رسانی بهتر الزامی است.

۳. احمدی صفا و امرایی (۱۳۹۰) برنامه درسی دوره کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی را از منظر رشد توانش ترجمانی دانشجویان بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران در اظهارنظری اجمالی معتقدند که برنامه‌ریزان درسی این رشته، توانایی دانشجویان زبان فارسی را تا حدی بدیهی فرض گرفته و دو درس با محتوایی بسیار فشرده به زبان فارسی اختصاص داده‌اند که نیاز به تقویت دارد.

۴. سالاری و خزاعی فرید (۱۳۹۴) بر مبنای نیازهای بازار پیشنهاد کرده‌اند که به دروسی مانند نگارش فارسی، واحدهای بیشتری اختصاص یابد تا دانشجویان ضمن تقویت

مهارت خود در این زمینه، بعد از پایان دوره تحصیلی خود به راحتی وارد بازار کار شوند.
۵. رحیمی (Rahimy, 2010) در مقاله‌ای به ارزیابی کارایی برنامه درسی رشته مترجمی انگلیسی در ایران پرداخته و آن را با برنامه‌های درسی دانشگاه‌های مختلف خارجی مقایسه کرده است.

۶. سهرابی و همکاران (Sohrabi & et al., 2015) برنامه درسی رشته مترجمی انگلیسی ایران را براساس پرسش‌نامه‌ای از پیش طراحی شده بررسی و قوت‌ها و ضعف‌های آن را منعکس کرده‌اند. حدود نیمی از مخاطبان پرسش‌نامه با افزودن دروس نگارش و نحو فارسی و ادبیات فارسی موافق بوده‌اند.

۷. تاج‌بخش و همکاران (۱۳۹۶) ضمن بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان رشته مترجمی زبان فرانسه، مشکلات آنان را برشمرده و توصیه کرده‌اند ترجمه از طریق منابع واقعی به دانشجویان آموزش داده شود. در این پژوهش پرسش‌نامه محور عوامل گوناگونی به عنوان آسیب‌های این رشته معرفی شده است، از جمله: پذیرش اندک دانش آموزانی که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده‌اند و با حوزه‌های مختلف علوم انسانی مثل ادبیات و تاریخ آشنا هستند؛ سهم اندک آموزش زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان صرفاً به عنوان درسی عمومی؛ کمبود مطالعه دانشجویان در زمینه آثار ادبی فارسی و نیز بی‌توجهی به تمرین نگارش فارسی.

۸. هاشمی میناباد (۱۳۹۶: ۶۷) هم تقابل میان دانش و عمل در ترجمه را به دو صورت متجلی می‌داند: ۱) شکاف بین پژوهش و سیاست‌گذاری که نمونه‌اش را می‌توان در سرفصل‌های غیر اصولی دوره کارشناسی ترجمه یافت و ۲) شکاف بین پژوهش و اجرا که مصداقش را می‌توان در ناکامی دانشگاه‌ها در پرورش مترجمان بزرگ و بی‌اطلاعی و بی‌توجهی مترجمان به اصول نظری مشاهده کرد.

شناخت زبان فارسی برای مترجمان

آشنایی با آثار منظوم و منثور ادبیات فارسی از دوران کهن تا روزگار معاصر و نیز اطلاع یافتن از ویژگی‌ها و مسائل علمی زبان و ادبیات فارسی برای مترجم فواید گوناگونی دارد. در واقع، مترجمی که یکی از دو زبان مبدأ یا مقصد ترجمه‌اش فارسی است، باید زبان و ادبیات فارسی را از جنبه‌های گوناگون بشناسد. این آشنایی البته از جهات دیگری نیز کاربرد دارد؛ برای مثال، مترجم می‌تواند به تحقیقات تطبیقی میان دو اثر یا دو سبک/ دوره

ادبی در دو زبان پردازد و یا در انتخاب کتابی که قرار است ترجمه کند تأثیر بگذارد. در ادامه، جنبه‌های گوناگون این آشنایی، که مترجم را در ارتقای کیفیت ترجمه یاری می‌دهد، بررسی می‌شود:

۱. انتخاب واژگان مناسب و متنوع برای ادای مقصود. آشنایی با این متون و مطالعه پیوسته آن‌ها بر گستردگی لغات و قدرت بیان مترجم می‌افزاید؛ او برای کلمه‌ای در زبان مبدأ، واژه‌های متعددی برای معادل‌گزینی در اختیار دارد و می‌تواند با توجه به بافت و معنای کلام بهترین مورد را برگزیند. طبعاً اینکه چه نوعی از متون ادب فارسی باید بیشتر مطالعه شود، با توجه به گرایش مترجم به ترجمه گونه خاصی از متون تعیین می‌شود. برای مثال، اگر مترجم بیشتر به شعر عاشقانه معاصر می‌پردازد، مطالعه اشعار عاشقانه معاصر فارسی بیشتر توصیه می‌شود؛ اما به طور حتم، مطالعه تمام متون ادبیات فارسی از دوران گذشته (به ویژه شاهکارها) تا دوره معاصر (حتی روزنامه‌ها و مجلات) کارآمد خواهد بود (ر.ک.: یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۹۱؛ صفارزاده، ۱۳۷۰: ۱۹؛ هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۱۰۰؛ ناظمیان، ۱۳۹۵: ۲). به بیانی دیگر: «مددگیری از استعداد زبان فارسی در گسترش واژگان و ادای معانی و مفاهیم، کاری ماشین‌وار و طوطی‌صفتانه نیست. مترجم آشنا به روح زبان فارسی تعبیّرات و ترکیبات پیشینیان سخن‌ساز را جذب حوزه واژگانی خود می‌سازد، به وقت ضرورت در آن‌ها دخل و تصرف می‌کند یا به قیاس از آن‌ها خود به ساختن واژه و تعبیر و ترکیب دست می‌زند. درواقع، نشانه قدرت و هنر مترجم در این است که بتواند تعبیر و ترکیبات برگرفته از متون قدیم را خارج از بافت چنان به کار گیرد که جلوه و تشخیص تازه‌ای به خود بگیرند» (حسینی، ۱۳۶۹: ۵۲).

از آنجا که زبان فارسی به دلیل تحولات تاریخی، علاوه بر کلمات فارسی میانه، تحت تأثیر زبان‌هایی چون عربی، ترکی، و مغولی قرار گرفته، از نظر کلمات مترادف و هم‌معنا غنی و پربار شده است. هر یک از کلمات در موقعیت‌های مختلفی به کار می‌رود و بخشی از نیاز زبان را تأمین می‌کند. گاه مترجم حرفه‌ای و باتجربه معادلی برای کلمه‌ای برمی‌گزیند که در هیچ‌یک از فرهنگ‌ها پیشنهاد نشده، ولی کاملاً دقیق و رساست. بنابراین مترجم نباید خود را به کلمه محدود کند، زیرا در این صورت به فرهنگ لغت محدود شده است (ناظمیان، ۱۳۹۵: ۴۴ و ۹۰). به تعبیر امامی (۱۳۷۲: ۱۸۶): «در بسیاری موارد... مترجم برای انتقال روح متن اصلی، برای درآوردن رنگ آمیزی کلام، برای نشان دادن سایه روشن‌هایی که تنها جزئی اختلافی با هم دارند، ناچار است معادل‌های قالبی فرهنگ‌ها

را کنار بگذارد و خود در فراخنای واژه‌های مشابه و مترادف (که در زبان فارسی حقیقتاً عرصه فراخی را تشکیل می‌دهند) به جست‌وجو بپردازد».

۲. واژه‌سازی. تأمل در آثار ادبی و بررسی آنان به مترجم در واژه‌سازی نیز کمک خواهد کرد. «می‌توان دید دستگاه واژه‌سازی زبان فارسی، در دست نویسندگان آن‌ها، بر چه منوال در حرکت و پویایی بوده است و سرمشق و شیوه کار در این زمینه چیست» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۹۳).

۳. آشنایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم کهن و جدید. علاوه بر لزوم تسلط مترجم بر دو زبان، آشنایی او با فرهنگ هر دو زبان هم ضروری است تا بتواند آگاهی‌های لازم را به خواننده منتقل کند (صفارزاده، ۱۳۷۰: ۵۱ و ۵۲). همچنین در هر زبانی اشعار، گفته‌ها، مثل‌ها و قصه‌هایی وجود دارند که زبانزد همگان‌اند یا برای بسیاری از مردم آشنا هستند و ممکن است نویسنده‌ای به یکی از این موارد استشهاد کند (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۱۵۹). بخش مهمی از این مسائل در ادبیات جلوه‌گر است. در واقع، آثار مکتوب هر ملت آینه فرهنگ و آداب و رسوم آن ملت محسوب می‌شود و مترجم باید با آثار ادبی هر دو زبان آشنا باشد تا بتواند به بهترین صورت متنی را از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند. در این میان ممکن است لازم باشد مثلاً اشعار یا امثالی از زبان مقصد، جایگزین اشعار یا امثالی از زبان مبدأ شود. نکته‌ای که در باب زبان و ادبیات فارسی اهمیت دارد و لازم است مترجم بدان توجه داشته باشد این است که در تاریخ ادبی ایران برای شعر ارزش و کارایی بیشتری قائل بودند (ر.ک.: خطیبی، ۱۳۷۵: ۶۲-۶۹). هر چند جایگاه شعر در دوره معاصر با توجه به رواج ادبیات داستانی (به‌ویژه در طبقه متوسط شهری) رو به افول است، اما همچنان در میان عامه مردم رواج دارد تا آنجا که پیشنهاد شده است در ترجمه پیام‌های بازرگانی به فارسی، علاوه بر مسائل فرهنگی، اولویت شعر نیز در نظر گرفته شود؛ به این دلیل که نقش شعر در آگاهی‌های فارسی به مراتب بیشتر از نقش آن در آگاهی‌های غربی است (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۵۴).

۴. لزوم توجه به زبان معیار فارسی. تعاریف گوناگونی از زبان معیار ارائه شده است. در اینجا قصد ورود به این مباحث را نداریم. طبق تعریفی که به مقصود ما نزدیک است «زبان معیار گونه‌ای از زبان است که به وسیله جامعه پذیرفته شده و برپایه زبان درس‌خوانندگان استوار باشد و در مراکز سیاسی و فرهنگی به کار رود. چنین گونه‌ای به عنوان زبان کمکی و رسمی و نوشتاری بین سخنگویان لهجه‌های دیگر نیز رواج دارد و

همان گونه‌ای است که به عنوان زبان خارجی به مردم کشورهای دیگر آموخته می‌شود» (سارلی، ۱۳۸۷: ۳۸).

زبان فارسی معیار امروز که در دوران قاجار «لفظ قلم» نامیده می‌شد، حاصل تلاش نخبگان و اهالی قلم آن روزگار بود که از مناطق گوناگون ایران به تهران وارد شدند و به شغل دیوانی پرداختند؛ آنان با تکیه بر اصول و الگوهای نوشتاری، زبان گفتاری مشترکی پدید آوردند که به زبان ادبی نزدیک بود. در این بین، گلستان سعدی که از تصنع در کلام و انتخاب الفاظ مهجور به دور بود، نقش مهمی داشت. *قاپوس‌نامه*، *سیاست‌نامه* و *اسرارالتوحید* نیز از جمله متون نزدیک به زبان معیار فارسی هستند. سرانجام، این کوشش‌ها سبب شد تکلم مردم تهران به زبان این آثار ادبی نزدیک شود و زبان معیار فارسی تعیین گردد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۵۴۲-۵۴۴؛ سارلی، ۱۳۸۷: ۳۱۰، ۳۳۷ و ۳۳۸). بنابراین بررسی و مطالعه آثار ادبی فارسی که به زبان معیار نزدیک‌اند و صرفاً به حوزه نشر مربوط نیستند (مانند: *شاهنامه*، *مثنوی معنوی*، *بوستان* و حتی *دیوان ایرج میرزا*) به شناخت مترجم از زبان فارسی کمک شایانی خواهد کرد.

۵. آشنایی با نحو زبان فارسی. در ترجمه، نحوه چینش واژگان در جملات نیز نقشی اساسی دارد. براساس مطالعات زبان‌شناسانه، ساخت زبان‌ها با یکدیگر همگون نیست و آن‌ها با یکدیگر تفاوت ساخت صوری و معنایی دارند. بر این اساس، در جریان ترجمه، محتوای یک واژه می‌تواند از طریق چند واژه و برعکس محتوای چند واژه با یک واژه منتقل شود (صلح‌جو، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۲).

پیش‌تر در ایران ارزش ترجمه را برحسب انطباق هرچه بیشتر آن با متن اصلی می‌سنجیدند و این را «حفظ سبک» می‌نامیدند؛ به طوری که کسی را بهترین مترجم می‌دانستند که بتواند در برابر هر لفظ خارجی یک لفظ فارسی بگذارد. این نوع ترجمه به همراه اشتباهات دیگر مترجمان رفته‌رفته به عبارات نامفهومی انجامید (نجفی، ۱۳۸۹: ۴)؛ حال آنکه این کار باعث ورود عناصر دستوری و الگوهای ساختاری و عناصر قاموسی بنیادی زبانی در زبان دیگر می‌شود و از صفا و روشنی هویت زبان مقصد می‌کاهد. این الگوها نه تنها ساخت‌های زبانی را در سطوح گوناگون از هنجار خارج می‌کنند، بلکه با خود عناصری فرهنگی همراه می‌آورند که با فرهنگ اهل زبان ناسازگار است. از این‌رو، در وام‌گیری الگوهای بیانی بیگانه (گرده/گرته برداری) باید توجه بیشتری نشان داد (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۵: ۲۳۴ و ۲۳۵؛ ر.ک.: نجفی، ۱۳۷۶: ده؛ صفارزاده، ۱۳۷۰: ۱۴؛ ناظمیان، ۱۳۹۵: ۶۸).

۶. بازترجمه. اگر مطلبی از فارسی به زبانی دیگر ترجمه شده باشد و مترجم بخواهد آن را دوباره به فارسی برگرداند، به این عمل «بازترجمه» گفته می‌شود. در چنین مواردی باید به سراغ متن اصلی فارسی رفت و آن مطلب را عیناً نقل کرد. اما گاهی مترجمان بر این امر واقف نیستند، و زحمت جست‌وجو را به خود نمی‌دهند یا به کتاب اصلی دسترسی ندارند و در نتیجه متنی را که در اصل فارسی است به فارسی، و معمولاً شکسته‌بسته، ترجمه می‌کنند (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۹۵).

۷. توجه به مسائل فنی خط فارسی. هرچند ممکن است این نکات از وظایف ویراستار فنی کتاب دانسته شود، مترجم باید از ویژگی‌ها و امکانات خط فارسی، به‌ویژه نشانه‌گذاری (علایم سجاوندی)، به‌خوبی آگاه باشد و ضمن شناخت کامل رسم‌الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی بتواند اصل یکدستی (به‌خصوص در شکسته‌نویسی) را رعایت کند. در این میان، نشانه‌گذاری اهمیت ویژه‌ای دارد. اگرچه این نشانه‌های رایج کنونی ریشه‌ای غربی دارند و در نسخ خطی کهن فارسی (جز نقطه) دیده نمی‌شوند، باید از آن‌ها با توجه به نقش و کارکرد واژه‌ها در بافت جمله و متناسب با ویژگی‌های زبان استفاده کرد؛ همان‌گونه که پس از ورود این علایم به خط فارسی، ایرانیان در شکل یا جهت برخی از آن‌ها (مانند علامت سؤال، ویرگول و نقطه‌ویرگول) تغییراتی دادند تا با خط فارسی هماهنگ شوند.

مترجم پس از درک هدف نویسنده از نشانه‌های نگارشی می‌تواند آن‌ها را به واژه‌ها و عبارت‌های متناسب با بافت و موقعیت متن ترجمه کند و یا به جای برخی واژه‌ها از این علایم بهره‌برد. مثلاً رینولد نیکلسون^۱ در ترجمهٔ بیتی از مولوی «که»ی استدراک و رفع ابهام را به دونقطه تبدیل کرده است (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۷۲ و ۷۳ و ۱۶۶). همچنین با توجه به اینکه هر زبان رسم‌الخط و ویژگی‌های صرفی و نحوی خاص خود را دارد، لزوماً کاربرد برخی از این علایم (مثل ویرگول و نقطه‌ویرگول) در یک زبان با زبان دیگر مطابقت ندارد و کوشش در حفظ آن به صورت موجود در متن مبدأ به نارسایی در ترجمه می‌انجامد (صفا‌زاده، ۱۳۷۰: ۴۵).

۸. آشنایی با کتاب‌شناسی و تصحیح‌های مختلف آثار کهن فارسی. این امر به مترجم برای یافتن متنی خاص کمک خواهد کرد. برای مثال اگر در متن به شعری اشاره شده باشد و مؤلف به تصحیح خاصی از دیوان یا نسخه‌ای خطی رجوع کرده باشد، در آن صورت

کتاب‌شناسی آثار آن شاعر و آشنایی با بحث تصحیح متن یا مراجعه به نسخه‌های خطی آن دیوان راهگشا خواهد بود (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۹۷).

۹. دریافت سبک و لحن نویسنده و انعکاس آن در ترجمه. ترجمه خوب باید بتواند همان تأثیر متن اصلی را در خواننده بگذارد. برای انتقال این تأثیر، رعایت سبک، اسلوب و لحن نویسنده اهمیت زیادی دارد؛ در واقع علاوه بر «چه گفتن»، «چگونه گفتن» هم مهم است. به عقیده روزه کایوا^۱ «ترجمه خوب نه ترجمه لفظ به لفظ است و نه ترجمه ادیبانه (اما غیر امین)، بلکه عبارت است از ابداع متنی (اعم از واژگان و جمله بندی و سبک) که نویسنده اگر زبان مادری اش همان زبان مترجم بود، آن را می نوشت. چنین ترجمه‌ای مستلزم دانش و هوش و تخیل بسیار است و البته باید آن را کمال مطلوب ترجمه دانست» (به نقل از نجفی، ۱۳۸۹: ۱۴).

مترجم ابتدا سبک اثر مورد ترجمه اش را شناسایی می کند و سپس به دنبال معادل آن در زبان فارسی برمی آید. گاهی سبکی مشابه و معادل سبک متن اصلی در فارسی وجود ندارد و خود مترجم باید سبک جدیدی بسازد. در اینجا مترجم با توجه به سبک متن اصلی و سبک‌های نزدیک به آن در زبان فارسی، ابزارهای زبانی‌ای به کار می گیرد تا سبکی متناسب با متن اصلی وضع کند. حتی اگر نویسنده از جملات پیچیده قصد خاصی داشته است، ساده سازی زبان، عدول مترجم از سبک و شیوه نگارش و قصد نویسنده شمرده می شود. برخی از ویژگی های سبک ساز عبارت اند از: کوتاه و بلندی جمله ها، توزیع و فراوانی جمله های کوتاه و بلند در متن، ساده یا پیچیده بودن جمله ها، تکرار جمله یا واژه، حذف به قرینه، بسامد استفاده از صنایع معنوی و لفظی، ایجاز یا اطناب، کاربرد واژگان خاص، طرز ترکیب واژگان، طرز تعبیر، آوردن یا نیاوردن مترادفات، شیوه به کارگیری ساخت های نحوی، نوع کاربرد حروف اضافه، استشهاد به شعر و کلمات قصار، غلبه لفظ بر معنی یا برعکس، شاعرانه بودن زبان، و امثال آن (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۱۵۴ و ۱۵۸).

در این بین، افزون بر آشنایی با سبک های فارسی، آشنایی با بلاغت و صنایع ادبی فارسی نیز کارساز است. بسیاری از مترجمان در عمل ثابت کرده اند که بسیاری از صنایع لفظی ترجمه پذیر است و گریزی از آن نیست. اگر زبان ها دارای ریشه های تاریخی و فرهنگی مشترکی باشند، انتقال بازی های زبانی آسان تر است. مترجم باید به صنایع لفظی و معنوی (مثل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، تشخیص و جناس) به طور کلی و ارائه هایی که اختصاصاً در اثر

مورد نظر به کار رفته است، اشراف داشته باشد تا بتواند تأثیر کلام نویسنده را بدان گونه که خود وی خواسته است، به زبان فارسی انتقال دهد (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۷۸ و ۱۵۸-۱۵۹).

رعایت و شناخت مجموعه این عوامل در کنار تجربه و دقت و البته تسلط کافی بر زبان مبدأ و آشنایی با ساختار آن و همچنین موضوع مورد ترجمه و اصطلاحات تخصصی آن حاصل کار مترجم را ارزشمند خواهد ساخت. تیتلر^۱ گفته است: «یک مترجم خوب باید مثل یک هنرپیشه خوب به کلمات حیات و حرکت بخشد. مترجم حتماً باید خودش نویسنده باشد» (به نقل از: صفارزاده، ۱۳۷۰: ۱۹). انس با موازین زبان فارسی و آثار فصیح موجود و تأمل در شیوه تعبیر آن‌ها به نویسنده و مترجم قدرت آن را می‌دهد که برای ادای مفاهیم خود بتواند کلمات لازم را بجوید و بیابد و یا آن‌ها را بیندیشد و در بیان مقصود درنماند (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۱۶).

بنابراین برای دانشجویان مترجمی زبان‌های خارجی در ایران، که اصولاً یکی از دو زبانی که در ترجمه با آن سروکار دارند فارسی است، باید دروسی در نظر گرفت که آنان، هرچند به اختصار، با اهمیت و کارکرد زبان و ادبیات فارسی آشنا شوند و نیز راهنمایی و ترغیب گردند که پس از اتمام دوره تحصیلی، اطلاعات خود را در آن دروس گسترش دهند؛ دروسی که به شناخت نسبی دانشجویان از متون ادب فارسی، کلیات مسائل ادبی فارسی و آیین نگارش و ویرایش منجر شود. این دروس با دروس مربوط به نظریه‌های ترجمه و تطابق ویژگی‌های دو زبان تفاوت دارند.

دروس مرتبط با زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی رشته مترجمی زبان عربی
«زبان و ادبیات عربی» از رشته‌های قدیمی دانشگاه‌های ایران است. در این رشته اغلب به متون ادب عربی و قواعد زبان عربی پرداخته می‌شود؛ با این حال سال‌هاست (از ۱۳۷۲) که وزارت علوم رشته دیگری را در مقطع کارشناسی با عنوان «مترجمی زبان عربی» تصویب کرده است. در برنامه درسی مصوب این رشته (۱۳۷۲) به هیچ درسی که با زبان و ادبیات فارسی مرتبط باشد اشاره نشده، اما در برنامه بازنگری شده (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱) چهار درس (آیین نگارش و ویرایش فارسی، آشنایی با متون ادب فارسی قدیم، آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۱ و ۲) به این رشته افزوده شده است؛ که نشان می‌دهد برنامه‌ریزان این رشته به اهمیت زبان فارسی در رشته مترجمی عربی آگاه‌اند. در

1. Tytler

عین حال در تنظیم سرفصل‌های این چهار درس به برخی نکات توجه نشده است که ضمن معرفی سرفصل‌های مصوّب، بررسی می‌شوند. در جداول ۱، ۲، ۳ و ۴ ویژگی‌های خاص هر یک از دروس معرفی شده است.

۱. آیین نگارش و ویرایش فارسی

جدول ۱ مشخصات درس آیین‌نگارش و ویرایش فارسی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۰: ۲۲-۲۳)

نام درس	تعداد واحد	نوع درس	هدف	سرفصل‌ها
آیین نگارش و ویرایش فارسی	۲	پایه الزامی / نظری	ایجاد توانمندی در شناخت انواع نثر فارسی، نکات نظری / دانشجویان برای نگارش مهم و ضروری دستور زبان پیش‌نیاز تحقیقات، مقالات و فارسی که در نثر باید رعایت ندارد. پایان‌نامه‌های خود به نثر شود، قواعد مهم املا و واژگان و روان و درست فارسی. ترکیبات، آیین درست‌نویسی مفردات و رموز سجاوندی.	نکات
			آیین نگارش و ویرایش، احمد سمعی، ۱۳۶۷، مرکز نشر دانشگاهی؛ آیین نگارش، دکتر حسن انوری و احمدی گیوی، ۱۳۵۲، مدرسه عالی بازرگانی؛ آیین نگارش فارسی، دکتر اسماعیل حاکمی، ۱۳۶۷، سمت، آیین نگارش علمی، دکتر عباس حرّی، ۱۳۸۵، نهاد کتابخانه‌های عمومی؛ آیین نگارش و ویرایش، ۱۳۸۹، دکتر امیر چناری، زوار؛ راهنمای نگارش و ویرایش، دکتر محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، ۱۳۷۷، آستان قدس رضوی؛ آیین نگارش مکاتبات اداری، سید کاظم امینی، ۱۳۶۸، مرکز آموزش مدیریت دولتی؛ شیوه خط فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ غلط‌نویسیم، ابوالحسن نجفی، ۱۳۸۴، مرکز نشر دانشگاهی.	

همان‌گونه که در بخش اول مقاله آمد، در ترجمه، انتقال مفهوم مدّ نظر نویسنده به زبان مقصد در بهترین حالت (از نظر فصاحت و بلاغت) اهمیت زیادی دارد. در این میان، در صورتی که دانشجویان با اصول نگارش فارسی و نیز شیوه صحیح استفاده از علائم سجاوندی، نحوه پاراگراف‌بندی، کاربرد صحیح فاصله و نیم‌فاصله، به کار بردن صحیح و یکدست رسم‌الخط و دیگر مسائل نگارشی آشنا شوند، می‌توان از آنان انتظار داشت که در برگرداندن متن به خوبی عمل کنند. برخی از تعبیراتی که در منابع معتبر ویرایشی فارسی بدون ذکر منشأ، نامناسب دانسته شده، احتمالاً گرده‌برداری از زبان عربی است؛ مثل «لازم به ذکر

است» (ر.ک.: نجفی، ۱۳۷۶: ذیل «لازم به تذکر است») که باید از ترجمه تحت‌اللفظی عبارت «جدیر بالذکر» وارد زبان فارسی شده باشد. همچنین کاربرد یا عدم کاربرد مفعول مطلق در زبان فارسی و الگوبرداری‌هایی که ممکن است مترجم عربی در ترجمه جمله‌های حالیه، شرطیه و امثال آن انجام دهد و نیز تفاوت حروف اضافه در فارسی و عربی، باید در این درس به تفصیل بررسی شود. در ادامه بخش‌هایی از این برنامه درسی بررسی می‌شود:

نوع درس: «پایه و الزامی» بودن درس، اهمیت آن را نزد برنامه‌ریزان نشان می‌دهد که کاملاً درست است؛ اما اینکه «آیین نگارش و ویرایش فارسی» را درسی صرفاً نظری بدانیم صحیح نیست. در این درس دانشجویان باید تمرین‌ها متعددی انجام دهند و کلاس حالت کارگاهی داشته باشد. ویرایش متون مختلف (به ویژه متونی که از زبان عربی ترجمه شده است) ارزش و اهمیت بسیاری دارد. دانشجویان باید بیاموزند متنی که قصد برگرداندن آن را دارند، به بهترین نحو به فارسی برگردانده شود. در بحث ترجمه، آشنا بودن با نحو زبان مقصد و نیز اجتناب از الگوبرداری از زبان مبدأ (صرفی یا نحوی) ضروری است. این موارد به همراه مسائل متعدد دیگر باید در این درس تدریس شود و دانشجویان ملزم باشند مقدار زیادی از کلاس و خارج از آن را به تمرین نگارش پردازند. همچنین اینکه برای این درس پیش‌نیازی در نظر گرفته نشده است، مناسب نیست. دانشجویان باید این درس را پس از دروس زبان فارسی (عمومی) و آشنایی با متون ادب فارسی قدیم و آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۱ و ۲ بگذرانند تا پس از آشنایی بیشتر با متون ادب فارسی، قواعد آن را بیشتر بشناسند و درک صحیح‌تری از صرف و نحو زبان فارسی براساس شاهکارهای ادب فارسی داشته باشند.

هدف: برای دانشجوی کارشناسی مترجمی «نگارش تحقیقات، مقالات و پایان‌نامه‌ها به نثر روان و درست فارسی» چندان اهمیتی ندارد. قرار نیست این دانشجویان مقاله، تحقیق و پایان‌نامه بنویسند. هدف باید برگرداندن متن اصلی به بهترین و درست‌ترین معادل فارسی باشد. این دانشجویان در مقطع کارشناسی عموماً به تحقیق نمی‌پردازند و پایان‌نامه هم نمی‌گذرانند. اغلب تمرین‌ها آنان در درس‌های دیگر، نحوه ترجمه متون مختلف عربی (نظامی، حقوقی، سیاسی و...) و شیوه تکلم به زبان عربی است. براساس بررسی‌های میدانی انجام شده، اغلب دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مترجمی عربی که ناگزیر از گذراندن پایان‌نامه هستند، ترجمه متنی را از عربی به فارسی به عنوان پایان‌نامه برمی‌گزینند که در این میان، نظر گروه آموزشی نیز بی‌تأثیر نیست.

سرفصل‌ها: انواع نثر فارسی خود بحثی بسیار مفصل است (ر.ک.: رستگار فسایی، ۱۳۹۵) و نمی‌تواند به عنوان مبحثی برای درس «آیین نگارش و ویرایش فارسی» در نظر گرفته شود. بهتر است در این باره در درس «آشنایی با متون ادب فارسی قدیم» و نیز یکی از دروس «آشنایی با متون ادب فارسی معاصر» بحث کرد. درباره سایر سرفصل‌ها هم اشتباهاتی در نام‌گذاری دیده می‌شود که به دلیل اهمیت کمتر، از بررسی آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم.

منابع: برای درس آیین‌نگارش و ویرایش فارسی، منابع مهمی معرفی شده است که البته قدیمی‌اند. مهم‌ترین منبعی که جای خالی آن احساس می‌شود و باید به دانشجویان معرفی شود، فرهنگ املائی خط فارسی براساس دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است (صادقی و زندی مقدم، ۱۳۹۴). گفتنی است این درس با توجه به گستردگی و اهمیت نگارش و ویرایش فارسی، در قالب دو درس دو واحدی ارائه شود تا در یکی از آن‌ها، مباحث فنی و در دیگری، مباحث زبانی ارائه شود.

۲. آشنایی با متون ادب فارسی قدیم

جدول ۲ مشخصات درس آشنایی با متون ادب فارسی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۰: ۳۸)

نام درس	تعداد واحد	نوع درس	هدف	سرفصل‌ها
آشنایی با متون ادب فارسی قدیم	۲	تخصصی الزامی / نظری / نظم و نثر	شناخت متون کلاسیک و نمونه‌هایی از نثر نویسندگان کلاسیک از سوی استاد انتخاب و تدریس می‌شود؛ از جمله: گزیده شعر رودکی، ناصر خسرو، فردوسی، سنایی غزنوی، نظامی گنجوی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، جامی، بیدل، صائب.	گزیده نثر سفرنامه ناصر خسرو، کلیله و دمنه ابن مقفع، چهارمقاله نظامی عروضی، گلستان سعدی، تاریخ بیهقی.
				دیوان شاعران مذکور (در سرفصل‌ها)؛ تاریخ تطوّر نثر فارسی (سبک‌شناسی)، ملک‌الشعراى بهار، ۱۳۳۷، امیر کبیر؛ سبک خراسانی، دکتر محجوب، ۱۳۵۰، دانشسرای عالی؛ تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، ۱۳۷۹، فردوس؛ فارسی عمومی، دکتر ابراهیم قیصری و دکتر محمد دهقانی، ۱۳۸۵، جامی.

نوع درس: برای این درس پیش‌نیازی تعریف نشده است. بدیهی است که دانشجویان باید درس زبان فارسی (عمومی) را پیش از این درس گذرانده باشند؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بیشتر استادان در درس زبان فارسی (عمومی) به گزیده‌خوانی و بیان مطالب به صورت بسیار کلی و اختصاری می‌پردازند. این درس عمومی در واقع در آمدمی برای شناخت دانشجویان مترجمی از زبان و ادبیات فارسی است.

هدف: «شناخت متون نظم و نثر قدیم» تعبیر درستی برای هدف این درس نیست. دانشجو ضمن آشنایی با مهم‌ترین متون ادب فارسی باید دایره‌واژگان خود را افزایش دهد و با ساختارهای اصیل و صحیح نحو فارسی در سروده‌ها و نوشته‌های بزرگانی مثل فردوسی و سعدی و نیز خلاقیت آنان در استفاده از کلمات و چینش آن‌ها آشنا شود تا در ترجمه از عربی به فارسی یا برعکس موفق‌تر عمل کند.

سرفصل‌ها: با توجه به اینکه مباحث این درس نباید مشابه مباحث زبان فارسی (عمومی) باشد، پیشنهاد می‌شود در این درس تخصصی به منظور بررسی بیشتر ظرایف زبانی و ادبی شاهکارهای ادبیات فارسی، تنها به اشعار بزرگ‌ترین شاعران ادبیات قدیم (فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و در صورت امکان نظامی) و همچنین مهم‌ترین متون مثنوی (به ویژه گلستان و تاریخ بیهقی) پرداخته شود. با توجه به طبیعت ترجمه، در این زمینه شاهکارهای مثنوی فارسی بیش از شاهکارهای منظوم، یاریگر مترجمان خواهند بود.

منابع: براساس مطالب مذکور واضح است که منابع معرفی شده (دیوان اغلب شاعران بدون توجه به منابع مثنوی)، کتاب‌های سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات و فارسی عمومی به اشتباه معرفی شده‌اند.

۳. آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۱ و ۲

جدول ۳ مشخصات درس آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۱ (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۰: ۳۹-۴۰)

نام درس	تعداد واحد	نوع درس	هدف	سرفصل‌ها
آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۱	۲	تخصصی الزامی/ نظری / نظم و نثر فارسی	در این درس دانشجو ضمن آشنایی با تاریخ ترجمه‌های فارسی معاصر، با ادبا و آثار برجسته دوره معاصر ادب فارسی آشنا می‌شود؛ از جمله گزیده شعر معاصر ۱	ندارد.

ادامه جدول ۳

نام درس	تعداد واحد	نوع درس	هدف	سرفصل‌ها
				و آشنایی با ادیب‌الممالک فراهانی، ملک‌الشعراء بهار، نسیم معروف‌ترین شمال، علی‌اکبر دهخدا، میرزاده عشقی، ایرج‌میرزا، ترجمه‌های پروین اعتصامی، نیماوشیج، سهراب سپهری، و آغاز دوره حسین منزوی.
			قاجار	گزیده نثر نمونه آثار جمال‌زاده، بزرگ علوی، جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود و ...
				دیوان شاعران و آثار نویسندگان مذکور (در سرفصل‌ها)؛ صد سال داستان‌نویسی در ایران، حسن میرعابدینی، ۱۳۸۰، چشمه؛ ادوار شعر فارسی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، سخن؛ تاریخ تحلیلی شعر نو، شمس لنگرودی، ۱۳۷۸، مرکز؛ چون سبوی تشنه، محمدجعفر یاحقی، ۱۳۷۸، جامی؛ ادبیات معاصر نثر، دکتر هرمز رحیمیان، ۱۳۸۲، دانشگاه پیام نور.

جدول ۴ مشخصات درس آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۲ (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۰: ۴۱)

نام درس	تعداد واحد	نوع درس	هدف	سرفصل‌ها
آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۲	۲	تخصصی الزامی / نظری / پیش‌نیاز ندارد.	آشنایی با متون نظم و نثر فارسی معاصر پس از انقلاب	در این درس دانشجو با ادبا و آثار برجسته دوران معاصر ادب فارسی پس از انقلاب آشنا می‌شود؛ از جمله: گزیده شعر قیصر امین‌پور، حسن حسینی، سلمان هراتی، سهیل محمودی، ایرج قنبری، ساعده باقری، عبدالجبار کاکایی، حمید سبزواری، نصرالله مردانی، علی موسوی گرمارودی، مهرداد اوستا، محمدعلی معلم دامغانی، طاهره صفارزاده، و فریدون مشیری.
				گزیده نثر الهی‌نامه آیت‌الله حسن‌زاده آملی، بینش و نیایش دکتر مصطفی چمران، الهی‌نامه جواد محدثی، مناجات سید مهدی شجاعی، و آثار ابوالقاسم حسین‌خانی، احمد عزیزی، احمد دهقان، محمدرضا سرشار و ...

دیوان شاعران و آثار نویسندگان مذکور

به دلیل پیوستگی این دو درس به یکدیگر، در بخشی واحد، برنامه‌درسی آن‌ها بررسی می‌شود:

نوع درس: همانند درس‌هایی که پیش‌تر بررسی کردیم، برای این درس‌ها هم پیش‌نیازی در نظر گرفته نشده است؛ حال آنکه طبعاً باید پس از زبان فارسی (عمومی) و نیز آشنایی با متون ادب فارسی قدیم تدریس شوند. پیش از این، درباره‌ علت تقدّم درس زبان فارسی (عمومی) توضیحاتی داده شده است. درباره‌ علت مقدّم دانستن درس آشنایی با متون ادب فارسی قدیم هم باید گفت هرچند باید ترتیب تاریخی رعایت شود، شناخت متون قدیم هم برای فهم بهتر متون معاصر مفید است و نویسندگان و شاعران معاصر، خود، کم‌وبیش تحت تأثیر بزرگان ادبیات فارسی قدیم بوده‌اند.

هدف: درس آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۱ با هدف «آشنایی با متون نظم و نثر فارسی معاصر و تاریخ ترجمه در ایران و آشنایی با معروف‌ترین ترجمه‌های آغاز دوره قاجار» و درس آشنایی با متون ادب فارسی معاصر ۲ با هدف «آشنایی با متون نظم و نثر فارسی معاصر پس از انقلاب» تصویب شده است. مهم‌ترین نکته اینک این تقسیم‌بندی و ارائه‌دس‌های ادبی با توجه به دوره‌بندی سیاسی از اساس اشتباه است. حجم مطالب درس اول بسیار بیشتر از حجم مطالب درس دوم است. دانشجوی باید در درس اول، با شاعران و نویسندگان دوره انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) آشنا شود (۷۲ سال) و از تاریخ ترجمه در ایران که بحث درازدامنی است و اخیراً کتاب‌های مفصلی هم در این باب به چاپ رسیده است (ر.ک.: آذرنگ، ۱۳۹۴؛ فیضی و خسرو بیگی، ۱۳۹۷) آگاه گردد، اما در درس دوم به ادبیات پس از انقلاب اسلامی (حدود ۴۰ سال) پردازد. از نظر تعداد شاعران و نویسندگان مطرح هم به هیچ وجه نمی‌توان دوره پس از انقلاب را با پیش از آن در یک کفه قرار داد؛ هرچند باید اذعان کرد ادبیات فارسی، چه در شعر و چه در نثر، در دهه‌های اخیر رشد درخور توجهی داشته است. همچنین بیشتر حیات شعری شاعرانی مانند فریدون مشیری و مهرداد اوستا که در سرفصل‌های درس ادبیات پس از انقلاب قرار داده شده‌اند، پیش از انقلاب اسلامی بوده است.

برای اجتناب از مشکلات مطرح‌شده و به منظور رعایت ترتیب زمانی و بررسی دقیق‌تر موضوعی واحد پیشنهاد می‌شود که در یکی از این دروس، به متون منظوم فارسی معاصر و در درس دیگر، به متون مثنوی فارسی معاصر پرداخته شود. همچنین همان‌گونه که درباره‌ هدف درس «آشنایی با متون ادب فارسی قدیم» گفته شد، مطالعه و بررسی این آثار

باید با هدف شناخت ویژگی‌های گوناگون صرفی و نحوی زبان فارسی و بالا بردن مهارت دانشجو در برگرداندن متون به فارسی یا برعکس باشد. سرفصل‌ها و منابع: با توجه به طرح مسئله و پیشنهاد مذکور در بخش «هدف»، سرفصل‌ها و منابع این دو درس نیازمند بازنگری است.

نظری کلی به برنامه‌دستی آموزش زبان و ادب فارسی برای رشته مترجمی عربی همان‌گونه که مشاهده شد، در برنامه مقطع کارشناسی رشته مترجمی زبان عربی چهار درس دو واحدی (سه درس مربوط به متون ادبیات فارسی و یک درس با موضوع نگارش و ویرایش فارسی) تعیین شده است. دانشجویان پس از گذراندن این دروس در کنار درس سه واحدی زبان فارسی (عمومی) می‌توانند به شناختی نسبی از زبان و ادبیات فارسی دست یابند که مغتنم است؛ هرچند به تناسب تعداد کل واحدها در این مقطع و اهمیت شناخت زبان و ادبیات فارسی برای مترجمان، پیشنهاد می‌شود واحدهای بیشتری به این امر اختصاص یابد. جالب اینکه وضعیت فعلی این رشته در این موضوع بسیار مطلوب‌تر از شرایط سایر رشته‌های مترجمی است، که در هر حال احتیاج به بررسی‌های جداگانه‌ای دارد. طبق آنچه در سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲/۷/۲)^۱ آمده، برنامه درسی مقطع کارشناسی مترجمی برای زبان‌های روسی، اسپانیایی و فرانسه منسوخ شده است و یا برای این رشته‌ها برنامه مصوبی وجود ندارد. در برنامه درسی مترجمی زبان آلمانی هیچ درس مرتبطی با زبان و ادبیات فارسی دیده نمی‌شود. برای مترجمی زبان انگلیسی هم - که اخیراً برنامه‌اش بازنگری شده است - درس‌های مرتبطی دیده می‌شود که البته با درس‌های مرتبط مترجمی عربی تفاوت است و تفاوت در سیاست‌گذاری‌ها را نشان می‌دهد. برای مثال درسی به نام «ساخت زبان فارسی» وجود دارد که در کنار درس‌های دیگر به شناخت بهتر زبان فارسی کمک خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله به مهم‌ترین نکاتی که مترجمان زبان‌های دیگر باید از زبان فارسی (به عنوان زبان مبدأ یا مقصد) بدانند، اشاره شد. آشنایی با متون مهم ادبیات فارسی (قدیم و معاصر)،

1. [http://hes.msrt.ir/GetFile.php?ClassName=Education&FileInex= ۱۴۹۸۶۲۸۰۸۰ &URL=/T-Education/ ۱۴۹۸۶۲۸۰۸۰ -.pdf](http://hes.msrt.ir/GetFile.php?ClassName=Education&FileInex=۱۴۹۸۶۲۸۰۸۰&URL=/T-Education/۱۴۹۸۶۲۸۰۸۰-.pdf)

نحو زبان فارسی، قواعد درست نویسی، ویرایش و... برای یک مترجم اهمیت زیادی دارد. در ادامه، دروس مصوب مرتبط با زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی رشته مترجمی زبان عربی بررسی شد. در این رشته، چهار درس به موضوع زبان و ادبیات فارسی اختصاص یافته است که سرفصل‌های آن‌ها اشکالاتی دارد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به گستردگی مباحث این حوزه، واحدهای بیشتری برای آن در نظر گرفته شود. افزودن درس «ساخت زبان فارسی» همانند آنچه در رشته مترجمی زبان انگلیسی وجود دارد، مفید خواهد بود. اصولاً نمی‌توان تفاوت چندانی در موضوع آموزش زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان رشته‌های مترجمی متصور شد و تفاوت تنها در خصوصیات خاص هر زبان و تاریخ روابط میان زبان‌هاست؛ درحالی‌که مدیریت یکسانی در طراحی برنامه‌های درسی این رشته‌ها مشاهده نمی‌شود. در بعضی رشته‌های مترجمی اصولاً مقطع کارشناسی حذف شده است. در رشته‌های دیگر نیز یا هیچ توجهی به اهمیت آشنایی مترجم با زبان و ادبیات فارسی صورت نگرفته و یا برنامه ریزی صورت گرفته بسیار پراکنده و بدون توجه به اهمیت و جایگاه آن است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های درسی رشته‌های مترجمی، دروس مربوط به آشنایی دانشجویان با زبان و ادبیات فارسی یکسان باشد؛ هر چند باید به تفاوت زبان‌های خارجی نیز توجه شود.

منابع

- احمدی صفا، محمد و علیرضا امرایی (۱۳۹۰). «ارزیابی سرفصل درسی دوره کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی از نظر رشد توانش ترجمانی دانشجویان»، *مطالعات زبان و ترجمه*، شماره ۳، ص ۲۹-۵۰.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۸). *تاریخ مغول (از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری)*، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- امامی، کریم (۱۳۷۲). *از پست و بلند ترجمه*، تهران: نیلوفر.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۴). *تاریخ ترجمه در ایران (از دوران باستان تا پایان عصر قاجار)*، تهران: ققنوس.
- بهرام‌بیگی، مهری (۱۳۸۰). «نگاهی به سرفصل‌های درسی رشته زبان فرانسه (ادبیات و مترجمی)»، *سخن سمت*، شماره ۷، ص ۸۹-۹۷.
- پرورش، شهرزاد، حسین پیرنجم‌الدین و اکبر حسابی (۱۳۹۵). «لزوم به‌سازی روش‌های تدریس دروس ترجمه عملی: طرحی برای تدریس ترجمه ادبی»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۳۹، ص ۲۵-۱.
- پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۸). «فارسی عمومی؛ فرزند ناخوانده»، *ارج نامه غلامحسین یوسفی*، به کوشش محمدجعفر یاحقی، تهران: میراث مکتوب.

- تاج‌بخش، نسیم، لطافتی، رؤیا و ناهید جلیلی مرند (۱۳۹۶). «نگاهی به مشکلات دانشجویان رشته مترجمی زبان فرانسه دانشگاه‌های ایران»، *جستارهای زبانی*، شماره ۲ (۳۷)، ص ۱۷۱-۱۹۵.
- حسینی، صالح (۱۳۶۹). «لزوم انس با ادب فارسی در ترجمه»، *نشر دانش*، شماره ۵۸، ص ۵۵-۵۱.
- حقانی، نادر (۱۳۸۳). «آموزش ترجمه: زبان آموزی یا مترجمی»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، شماره ۱۶، ص ۷۴-۵۹.
- خطیبی، حسین (۱۳۷۵). *فن‌نشر در ادب پارسی*، چاپ دوم، تهران: زوآر.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۵). *انواع نشر فارسی*، چاپ ششم، تهران: سمت.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*، تهران: هرمس.
- سالاری، زهرا و علی خزاعی فرید (۱۳۹۴). «ضرورت به‌روزرسانی سرفصل دروس کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی بر مبنای نیازهای بازار ترجمه در ایران»، *مطالعات زبان و ترجمه*، شماره ۲۰، ص ۱۹-۵۲.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۹۵). *نگارش و ویرایش*، چاپ پانزدهم، تهران: سمت.
- صادقی، علی اشرف و زهرا زندی‌مقدم (۱۳۹۴). *فرهنگی املائی خط فارسی براساس دستور خط فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سفارزاده، طاهره (۱۳۷۰). *اصول و مبانی ترجمه*، تهران: همراه.
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۹). «بحثی در مبانی ترجمه»، *درباره ترجمه*، زیر نظر نصرالله پورجوادی، چاپ پنجم، تهران: نشر دانشگاهی، ص ۳۷-۵۳.
- علیقلی‌زاده، حسین (۱۳۹۶). «ضرورت‌ها، اهداف و رویکردهای درس‌نامه فارسی عمومی در دانشگاه‌ها (مطالعه موردی: فارسی عمومی پیام نور)»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۴۱، ص ۵۷-۸۱.
- فیضی، محمدخالد و هوشنگ خسروییگی (۱۳۹۷). *پژوهشی در تاریخ ترجمه متون انگلیسی در ایران (از آغاز قاجاریه تا پایان دوره مظفری)*، تهران: لوح محفوظ.
- ناظریان، رضا (۱۳۹۵). *روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی*، چاپ دهم، تهران: سمت.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶). *غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)*، چاپ هشتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹). «مسئله امانت در ترجمه»، *درباره ترجمه*، زیر نظر نصرالله پورجوادی، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۳-۱۴.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۴/۰۳/۱۶). *برنامه درسی مقطع کارشناسی مترجمی زبان آلمانی*، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قابل دسترس در:
http://hes.msrt.ir/uploads/T_Education/1493294879_0.pdf
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۶/۰۸/۲۹). *برنامه درسی مقطع کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی*، مصوب شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، قابل دسترس در:
http://hes.msrt.ir/uploads/T_Education/۱۵۲۴۳۰۶۴۷۱_۱.pdf
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱/۱۲/۲۰). *برنامه درسی مقطع کارشناسی مترجمی زبان عربی*، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قابل دسترس در:
http://hes.msrt.ir/uploads/T_Education/Educ_۶۴۱۷_۰.pdf

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲/۷/۲). *جدول دروس عمومی، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قابل دسترس در:*

http://hes.msrt.ir/uploads/T_Education/۱۴۹۸۶۲۸۰۸۰_۰.pdf

هاشمی میناباد، حسن (۱۳۹۶). *گفتارهایی نظری و تجربی در ترجمه، تهران: کتاب بهار.*
یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۶). *کاغذ زر: یادداشت‌هایی در ادب و تاریخ، چاپ دوم، تهران: سخن.*

Hervey, Sàndor & Ian Higgins (1992). *Thinking Translation*, London & New York: Routledge.

Kusssmaul, Paul (1995). *Training the Translator*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

Lang, Margaret, F. (1994). "The Problem of mother tongue competence in the training of translators", Paper presented at a *Translation Studies Congress* (Vienna, Austria, September 1992), pp. 1-7.

Li, Defang (2001). "Language teaching in translator training", *Babel*, Vol. 47, No. 4, pp. 343-354.

Rahimy, Ramin (2010). "An evaluation of the effectiveness of the curricula for translation programs at the undergraduate and the graduate levels in Iran: Problems and suggestions", *Educational Planning*, Vol. 19, No. 2, pp. 20-35.

Sohrabi, Sarah, Ramin Rahimi and Masoume Arjmandi (2015). "Efficiency of Iranian translation syllabus at BA level; deficiency: A New comprehensive model", *Advances in Language and Literary Studies*, Vol. 6, No. 1, pp. 129-142.